

یادداشت

پژواک سنگین سیاست



سید محمد کاظم سجادیپور
تحلیلگر مسائل بین‌الملل

برگزاری برزق و برق المپیک پاریس از ۲۶ ژوئیه تا ۱۱ اوت ۲۰۲۴ (۵ تا ۲۱ مرداد ۱۴۰۳) صرفاً زمانی توان رخدادی ورزشی قلمداد کرد، هرچند که موضوع و محور گردآوری افراد و نهادها در پاریس، ورزشی بود. این گردهمایی ورزشی، در ماهیت خود، از رابطه و موضوعی بسیار جدی و اساسی سخن می‌گوید و آن نسبت ورزشی و روابط بین‌المللی است. المپیک سابقه‌های کهن و نوین دارد. کهن بودگی آن به مراسمی است که یونانی‌ها از قرن ۸ قبل از میلاد تا قرن چهارم بعد از میلاد در منطقه‌ای به نام المپیا برگزار می‌کردند که صرفاً اختصاصی ورزش نبود، بلکه مناسکی مذهبی نیز بود و آئین کار ویژه خود را داشت، اما ایده برگزاری مسابقات ورزشی توسط کاربرترین در ۱۸۹۶ مطرح گردید و برگزاری اولین المپیک نوین از ۱۹۰۰ تاکنون، المپیک گره خورده با ماهیت و پویایی‌های روابط بین‌المللی بوده است. چگونه می‌توان نسبت ورزشی و المپیک را با روابط بین‌المللی مورد تجزیه و تحلیل قرار داد؟ این سوال نگاهی کلان و فرا ورزشی را طلب می‌کند. البته ابعاد ورزشی المپیک بسیار حائز اهمیت و خود موضوع بحث متخصصین ورزش در حوزه‌های گوناگون است. اما در چشم‌اندازی وسیع، نسبت بین ورزش و روابط بین‌المللی را می‌توان در سه پدیده مورد توجه قرار داد. «آئینه بودگی المپیک از روابط بین‌المللی»، «تیزاب به قانونمندی تعاملات انسانی در سطح بین‌المللی» و «حضور سایه سیاست بین‌المللی برکنش‌های غیرسیاسی»، المپیک‌ها و من جمله المپیک پاریس، آئینه‌ای از روابط بین‌المللی معاصرند. به طور کلی گردهمایی‌های ورزشی در سطوح منطقه‌ای، قاره‌ای و جهانی، بزاتپاد پدیده‌های مهم و گره خورده‌ای چون «اقتصاد»، «سینما»، «فرهنگ»، «تکنولوژی» و شبکه‌های گسترده انسانی و اجتماعی از ورزش، در کنار ماهیت سلامت بخش خود، در قالب‌ها و لایه‌های جمعی، با اقتصاد سیاسی پیوند خورده است. به عبارت دیگر، در تمام رخدادهای جمعی ورزشی پویایی قابل ملاحظه‌ای از پول‌سازی، کسب درآمد، توسعه صنعت سرگرمی، برندسازی، اوقات فراغت، تمایلات سیاسی، کسب پرستیژ و اعتبار و موقعیت اجتماعی مشاهده می‌شود. لذاست که ما با موضوع اقتصاد سیاسی ورزشی بین‌المللی روبه‌رو هستیم. مدتی است که واژه‌ای به واژگان اقتصاد سیاسی افزوده شد و آن «ورزش شویی» (Sportwashing) است «پولشویی» مورد استفاده قرار می‌گیرد. مرکز سنتر دانشگاه هاروارد که مرکز مطالعات رشته‌ای است در میگزردی در فوریه ۲۰۲۲ در نشست سنجی بین سیاست و ورزش برگزار کرد، به این واژه ورزش شویی اشاره کرد. اما در آخرین شماره مجله امور خارجی، آنتونی لیک، مشاور امنیت ملی کلینتون، در نقد سیاست‌های امارات در منطقه، از واژه ورزشی شویی در بعد منفی آن استفاده کرد و واقع می‌گوید امارات از ورزش برای شست‌وشوی اقدامات ناهنجار خود بهره می‌گیرد. فراتر از این مسئله، ورزش در سطح جهانی در دوران معاصر عمیقاً با تکنولوژی پیوند خورده و تکنولوژی یکی از شاخه‌های عمده روابط بین‌المللی در حال دگرگونی است. تکنولوژی، اقتصاد سیاسی، روانشناسی فردی و گروهی خود را دارد. و رای مباحث اقتصادی و تکنولوژی همه کشورها و کنشگران بین‌المللی از المپیک چه می‌خواهند! «اعتبار» و «پرستیژ»، اعتبارجویی و پرستیژجویی به مشروعیت و مقبولیت آنها در داخل و خارج کمک می‌کند. آئینه بودگی المپیک از روابط بین‌المللی چند لایه و چند وجهی است. اما پدیده دیگری که نسبت ورزش و روابط بین‌المللی در المپیک را به تصویر می‌کشد، تیزاب بشر به قانونمند کردن تعاملات انسانی در سطح جهانی است. در کمتر موردی، جامعه بین‌المللی توانسته مانند ورزش، تعاملات را قانونمند و قابل اندازه‌گیری کند. این قانونمندی و قابلیت اندازه‌گیری کردن که در تمامی رشته‌های ورزشی در المپیک برجسته است، نتیجه کاری حرفه‌ای و بین‌المللی و چند جانبه است که کمیته بین‌المللی المپیک، در واقع با مشورت، هماهنگی ایجاد اجماع و پذیرش همگانی، چارچوب قابل اندازه‌گیری هر حوزه در رشته ورزشی را با دقت روشن کرده است. این پدیده، خود تبدیل به شاخه‌ای برای سنجش توسعه کشورها شده است. توان و میزان حرفه‌ای و ورزشکاران هر کشور، نمایشگر نه فقط سطح ورزشی بلکه سطح توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورهاست. اما در عین تأکید فوق‌العاده کمیته بین‌المللی المپیک بر حرفه‌ای بودن و غیرسیاسی بودن رقابت‌های جهانی ورزشی، سیاست حضوری پیوسته در تمامی بازی‌های المپیک از جمله المپیک پاریس داشته است هو کردن ورزشکاران رژیم صهیونیستی به خاطر جنایت‌های آن رژیم در فلسطین و مخصوصاً در غزه، نقطه عطفی به یاد ماندنی است. اما این بعد سیاسی، پرسابقه است. بیش از یک قرن از برگزاری المپیک‌های معاصر می‌گذرد، انواع و اقسام به کار بردن نهاد‌های سیاسی و رفتارهای سیاسی را شاهدیم. شاید یکی از جالب‌ترین‌ها بایکوت و تحریم المپیک‌ها توسط اتحاد جماهیر شوروی، در دهه‌های اولیه تسلط بلشویک‌ها هستیم. شوروی نه تنها در دهه‌های اولیه در المپیک‌ها شرکت نمی‌کرد، بلکه آن را محل گردهمایی روزروها می‌دانست طرفه آنکه خود برای یک دهه «المپیک کارگران» را در مقابل «المپیک سرمایه‌دارها» راه‌اندازی می‌کند. اما از دهه ۵۰، قرن بیستم میلادی رسماً شرکت کرده و با سرمایه‌گذاری در ورزش، تبدیل به ابرقدرتی ورزشی می‌شود. نباید فراموش کرد که در المپیک نهایت، سیاست پژواک دارد. این پرچم کشورها و سرود ملی آنهاست که در صورت پیروزی ورزشکاران نشان بالا می‌رود. این‌همان‌دهای سیاسی حاضر و پیوسته‌اند. در مجموع ورزش و روابط بین‌المللی به هم گره خورده و المپیک‌ها نمایانگر لایه‌های رنگارنگ و متنوع پیوند سیاست و ورزش در سطح جهانی‌اند.

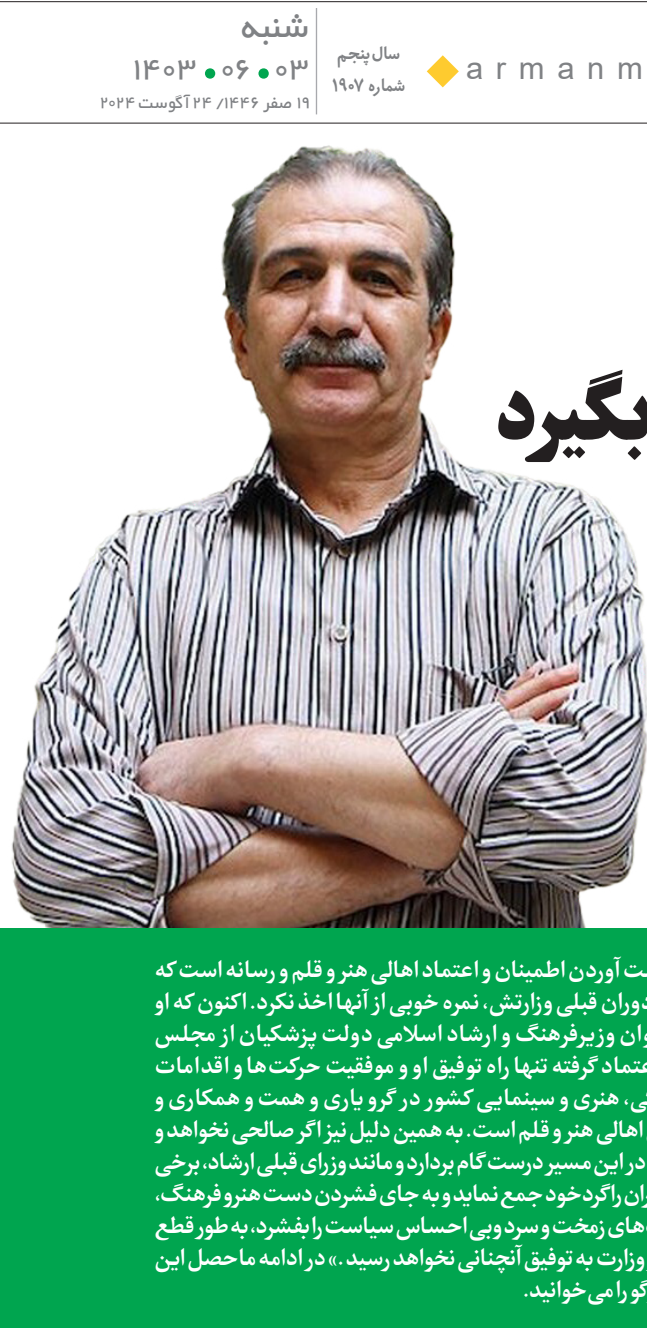
جبار آذین، منتقد سینما در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

باید وفاق ملی بین اهالی فرهنگ و هنر شکل بگیرد

برخی برای پست و مقام در وزارت ارشاد خیمه زده‌اند

شعار وفاق ملی نباید زمینه‌ساز حضور مدیران بی‌سواد در حوزه فرهنگی شود

نباید کاری کرد اهالی فرهنگ به سمت مسافرکشی و دستفروشی سوق پیدا کنند



آرمان ملی - احسان انصاری: عباس صالحی توانست بدون هیچ نماینده مخالفی از مجلس شورای اسلامی رأی اعتماد بگیرد و برای دومین بار به عنوان وزیر فرهنگ و ارشاد انتخاب شود. این در حالی است که فرهنگ و هنر کشور حال و روز خوبی ندارد و با چالش‌های متعددی مواجه است. «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی مهم‌ترین چالش‌ها و فرصت‌های پیش روی وزیر جدید ارشاد با جبار آذین، منتقد و مدرس سینما گفت‌وگو کرده است. آذین معتقد است: «آقای صالحی انسانی محترم و دارای دانش است و با فرهنگ آشناست. اما آنچه در ارتباط با او، امیدها را خدشه‌دار می‌کند، این است که او برخلاف حوزه نظریه و تئوری، در مدیریت و اجرا توانا نیست و وزارت به شدت برگرده او سنگینی می‌کند. با این‌همه راه ماندن صالحی در مقام وزارت

به دست آوردن اطمینان و اعتماد اهالی هنر و قلم و رسانه است که او در دوران قبلی وزارتش، نمره خوبی از آنها اخذ نکرد. اکنون که او به عنوان وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت پزشکیان از مجلس رای اعتماد گرفته تنها راه توفیق او و موفقیت حرکت‌ها و اقدامات فرهنگی، هنری و سینمایی کشور در گرو یاری و همت و همکاری و تعامل اهالی هنر و قلم است. به همین دلیل نیز اگر صالحی نتواند در این مسیر درست‌گام بردارد و مانند وزرای قبلی ارشاد، برخی بی‌هنران را گرد خود جمع نماید و به جای فشردن دست هنر و فرهنگ آشناست. دست‌های زخمی و سرد و بی‌احساس سیاست را هم مانند صالحی در مقام وزارت

دولت‌ها افراد وابسته خود را برای داره امور اجرایی مملکت گماشتند که نتیجه آن گروه‌گرایی، دور شدن از مردم و خودی‌گرایی، سرمایه‌دار شدن برخی و زیاده‌خواهی بعضی و افزودن در مشکلات اقتصادی جامعه بود. این وضعیت نامطلوب دولت محور به تبع ترکیب کابینه، در تمام ارکان و بخش‌های اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی وجود داشت و معیار، نگاه و نظر و منافع برخی از دولتمداران به جای نگاه و نظر و منافع ملت بود. این شرایط در حوزه‌های اقتصاد و فرهنگ و فقر مادی نماد بیشتری داشت. به گونه‌ای که در عرصه‌های هنری و فرهنگی و سینمایی، وزرا و معاونان و مدیران، عمدتاً مجریان فرامین دولت بودند نه خادمان ولی نعمت‌های خود یعنی ملت. این گونه بود که به عنوان نمونه شخص اوضاع فرهنگ و هنر و سینما... نیز در هم ریخت و هنرمندان و سینماگران، چنانچه می‌خواستند به فعالیت‌های هنری و سینمایی بپردازند، اگر مطلوب و پسند دولتیان بودند، نشان توی روغن بود، ولی سایرین باید کسک فقر و بیکاری می‌ساییدند. این وضع مختص یک جریان سیاسی خاص نبود که تمام آنها این نوع عمل کردند اکنون که دولت پزشکیان شکل گرفته است و اسم آن راهم وفاق ملی گذاشته‌اند، بعید نیست که این رخداد در وزارت ارشاد و فضاهای فرهنگ و هنر و سینما... هم اجرایی گردد. اگر چنین شود، وضع این بخش‌ها بدتر از امروز خواهد شد. چرا که برای رعایت وفاق ملی ممکن است بعضی از روسا و مدیران کنونی سازمان سینمایی و ارشاد که از اصولگرها هستند، ایفا شوند و در کنار چندتن از اصلاح‌طلبان از جنس خودشان، به اتفاق دست در یک کاسه ببرند و جدا از اختلاف‌های سیاسی و سلیقه‌ای میان خود، سینماگران و هنرمندان و منتقدان و اصحاب رسانه راز هنر و فرهنگ و سینما و رسانه دلسرد نمایند و به سوی کارگری و مسافرکشی و دستفروشی سوق دهند.

هنرمندان و خانواده منتقدان و اصحاب رسانه، می‌تواند برای اداره و مدیریت و سامان بخشی به بخش‌های بنیادی فرهنگ و هنر از جمله سینما، تئاتر، موسیقی و تجمعی، شخصیت‌های صاحب دانش، تخصص و تعهد و تدین را برگزیند. در چنین شرایطی وی می‌توان به یاری آنها چرخ‌های رنگ زده فرهنگ و هنر کشور را از گل ولای سیاست تا حدی رهایی بخشیده و در برزگره احیا و پالندگی هنر و فرهنگ ملی و مردمی به حرکت درآورد. هرچند همان گونه که عده‌ای منافع طلب و سهم‌خواه پیش از تعیین وزیر ارشاد گرد وزارت ارشاد خیمه زده بودند، اکنون هم عده‌ای بی‌هنر و کاسب در اطراف وزارت ارشاد چادر زده و در انتظار جلوس تخیلی و توهمی خود بر کرسی‌های سینما، تئاتر، موسیقی و تجمعی هستند. باین وجود هوشیاری اهالی هنر و فرهنگ و پزشکیان و معاون اول او و مشاوران سلامت و تکرش مردمی و ملی وزیر ارشاد، اجازه ورود کاسبان، و نفوذی‌ها و بی‌هنران و نامدیران را نخواهد داد در واقع این امید جامعه هنری و فرهنگی کشور است که امیدوارند وزیر ارشاد دولت وفاق ملی پزشکیان آن را محقق سازد.

در چنین شرایطی چه چالش‌هایی در زمینه سینمایی وجود خواهد داشت و وزیر ارشاد جدید باید چه رویکردی به صورت خاص در حوزه سینما داشته باشد؟

در شرایطی که هنوز تکلیف صندلی نشین وزارت ارشاد مشخص نبود اهالی هنر و سینما به جای تحرک و تعامل و واکنش، چون همیشه منفعل و خاموش بودند. چندتن از امتحان پس داده‌های مردود ریاست و مدیریت‌های سینما و چند سینما‌ناشناس جاه طلب به کمک جماعتی از زرداندیشان رسانه‌های زرد و کاسب، تبلیغاتی کاذب را عمدتاً در فضای مجازی به راه انداخته و برای ریاست سازمان سینمایی و مدیریت‌های آن خیز برداشته‌اند. آنها برای توجیه و مقبول‌نمایدن خود از هرگونه جعلیات بهره می‌برند و خود را دارای توانایی‌ها و دانش و تجربه فراوان معرفی می‌کنند. در حالی که کارنامه کرسی‌نشینان سابق و اسبق سازمان یاد شده و عملکردهای خود و گروه و منافع محورانه طالبان واجد هیچ امتیاز حداقلی برای آنان جهت حضور در مقام‌های مدیریتی سینما نیست. نکته مهم در این میان اینکه، سینماگران و حتی آنها که خود را نقش‌آفرینان سینمای کشور و جلودار برخی گروه‌ها و جریان‌های سینمایی می‌دانند، در قبال حرکت‌های مذکورانه جماعت مذکور و تاثیرگذاری در تعیین حال و روز امروز و فردای سینما با اعلام نظر و درخواست مطالبات عمومی سینمای کشور و نشان دادن جایگاه راستین سینما، بی‌تفاوتی پیشه کرده‌اند. غافل از اینکه رویه آنها می‌تواند با نفوذ و رسوخ عناصر معلوم الحال در سازمان سینمایی و مدیریت‌های آن آسیب‌های جدی و جبران‌ناپذیری به سینماگران کشور وارد نماید. بدیهی است که حضور مصمم و قاطع سینماگران و جلوداران آن می‌تواند سد بزرگی در برابر نامدیران و سیاست‌پیشگان و منافع‌طلبان، نیرنگ‌ها و تبلیغات و حرکت‌ها و برنامه‌های نادرست آن‌ها و اقدامی بزرگ برای سرپلندی سینماگران و سینمای ایران باشد.

راه توفیق او و موفقیت حرکت‌ها و اقدامات فرهنگی، هنری و سینمایی کشور در گرو یاری و همت و همکاری و تعامل اهالی هنر و قلم است. به همین دلیل نیز اگر صالحی نتواند در این مسیر درست‌گام بردارد و مانند وزرای قبلی ارشاد، ناکارآمدها و برخی بی‌هنران را گرد خود جمع نماید و به جای فشردن دست هنر و فرهنگ، دست‌های زخمی و سرد و بی‌احساس سیاست را هم مانند صالحی در مقام وزارت

هنرمندان و خانواده منتقدان و اصحاب رسانه، می‌تواند برای اداره و مدیریت و سامان بخشی به بخش‌های بنیادی فرهنگ و هنر از جمله سینما، تئاتر، موسیقی و تجمعی، شخصیت‌های صاحب دانش، تخصص و تعهد و تدین را برگزیند. در چنین شرایطی وی می‌توان به یاری آنها چرخ‌های رنگ زده فرهنگ و هنر کشور را از گل ولای سیاست تا حدی رهایی بخشیده و در برزگره احیا و پالندگی هنر و فرهنگ ملی و مردمی به حرکت درآورد. هرچند همان گونه که عده‌ای منافع طلب و سهم‌خواه پیش از تعیین وزیر ارشاد گرد وزارت ارشاد خیمه زده بودند، اکنون هم عده‌ای بی‌هنر و کاسب در اطراف وزارت ارشاد چادر زده و در انتظار جلوس تخیلی و توهمی خود بر کرسی‌های سینما، تئاتر، موسیقی و تجمعی هستند. باین وجود هوشیاری اهالی هنر و فرهنگ و پزشکیان و معاون اول او و مشاوران سلامت و تکرش مردمی و ملی وزیر ارشاد، اجازه ورود کاسبان، و نفوذی‌ها و بی‌هنران و نامدیران را نخواهد داد در واقع این امید جامعه هنری و فرهنگی کشور است که امیدوارند وزیر ارشاد دولت وفاق ملی پزشکیان آن را محقق سازد.

صالحی در دولتی به عنوان وزیر ارشاد معرفی شده که دولت وفاق ملی است. این در حالی است که در شرایط کنونی در جامعه هنری و فرهنگی کشور چنددستگی مشهود است. صالحی چگونه می‌تواند شعار مورد نظر پزشکیان را در زمینه فرهنگی محقق کند؟

آقای پزشکیان دولت خود را وفاق ملی خوانده است و کوشیده در حد توان اجازه و شرایط در گزینش و تشکیل وزرای کابینه‌اش، آن را اجرایی سازد. اما واقعیت اینکه، آنچه شکل گرفته وفاق جریان‌های سیاسی اصلاح طلب و اصولگرا و میانه‌رو است که عملکردهای آن‌ها در برهه‌های مختلف نتوانسته نمره قبولی و رضایت و اعتماد از ملت کسب کند. به عبارتی مردم از هیچکدام از این حزب‌ها و جریان‌ها موفقیتی ندیده‌اند و هر کدام در زمان دولت داری در جهت اهداف گروه‌های خود کار کرده‌اند. این

هوشیاری اهالی هنر و فرهنگ و پزشکیان و معاون اول او و مشاوران سلامت و تکرش مردمی و ملی وزیر ارشاد، اجازه ورود کاسبان، و نفوذی‌ها و بی‌هنران و نامدیران را نخواهد داد در واقع این امید جامعه هنری و فرهنگی کشور است که امیدوارند وزیر ارشاد دولت وفاق ملی پزشکیان آن را محقق سازد

ذره بین

چرا تندر وهاروی میدری و ظفرقندی حساس بودند؟

احمد میدری توسط مسعود پزشکیان به عنوان وزیر کار دولت جدید به مجلس پیشنهاد شد، اما این پیشنهاد با حاشیه‌هایی همراه بود. میدری، نماینده دوره ششم مجلس (۱۳۷۹-۱۳۸۳) از حوزه انتخابیه آبادان و عضو «کمیسیون اقتصادی» بود. او همچنین از امضاکندگان نامه موسوم به «جام زهر» بود. محتوای این نامه مذکور به شرایط نابسامان کشور اشاره داشت. با گذشت دوده از پایان مجلس ششم، تئوری و عمل سیاسی میدری را تغییر داده است. او در این دوده به جای اصلاحات رادیکال، راهبرد اجماع‌سازی میان قوای واقعی در حکومت و ایجاد پل میان دولت و جامعه مدنی را برگزیده است. نگاهی به گفت‌وگوهای مطبوعاتی او در دستکم یک دهه گذشته و کتاب‌هایی که به همت او منتشر شده‌اند به آسانی سیر تغییر نگاه او را نشان می‌دهد. تغییر در رویکرد سیاسی، حق هر فرد است و اگر مبتنی بر نظریه و جمع‌بندی تجربه باشد مزیتی برای او و کشورش خواهد بود. اما بخشی از نمایندگان مجلس ماجرا را اصلاً چنین نمی‌دیدند. با این حال برخی اصولگرایان، مانند حمیدرضا گودرزی، به این حد راضی نبودند و با استناد به نامه‌ای که بیست سال پیش نوشته شده بر عدم صلاحیت میدری تأکید می‌کردند. حمیدرضا گودرزی نماینده شهرستان الیگودرز در دوره دوازدهم در مخالفت با وزیر پیشنهادی کار می‌گفت «به آقای میدری گفتم آیا قبول دارید اقدام مجلس ششم خلاف و سوء سابقه بود؟ می‌گویند توبه کرده است، اما چرا وزارتخانه به وی بدهند؟ کدام نظام سیاسی حاضر است این پست سیاسی را به او بدهد؟» سخنانی مشابه این را از آنجایی که جمعه کرج نیز شنیدیم که اعلام کرد «برخی افراد حتی اگر توبه کرده باشند، نباید در کابینه قرار بگیرند همین اتفاقات برای حمیدرضا ظفرقندی هم اتفاق افتاد. نمایندگان پافشاری می‌کردند او از مواضع در خصوص انتخابات سال ۸۸ و اعتراضات ۱۴۰۱ توبه کند.» چنین اظهاراتی بیشتر تابع منطق جناحی و مبتنی بر منافع گروهی هستند، اما همزمان نشان از نوعی تفکر ایدئولوژیک دارند؛ تفرکی که اقلیت محافظه‌کار آن را نمایندگی می‌کنند و به واسطه نفوذ این جناح در قدرت تأثیری عمیق بر مناسبات سیاسی کشور می‌گذارد. از این‌رو، فارغ از نتیجه رأی اعتماد که نشان‌داد اصحاب این نمایندگان صرفاً مانوری سیاسی بوده، ضروری است به کندوکاو در ریشه‌ها و معانی آن بپردازیم.

آفت توبه در سیاست

یکی از مضرات استفاده از مفاهیمی مانند «توبه» و «ساخت انسان نازق‌القلبی» این است که سیاست‌را، که عرصه ریاست مشترک و همکاری گروه‌ها و اقشار مختلف است، بدل به عرصه‌ای متافیزیکی می‌کند که در آن جبهه خیر و شر در نزاع‌اند. در این رویکرد مخالف وجود ندارد، بلکه تنها دشمن وجود دارد. دشمنی که یک اشتباه متافیزیکی است و عامل اصلی شرارت در جهان، و باید محو شود. کوچک‌ترین گرایشی به سوی این دشمن، افراد را در جبهه «ضد انقلاب» قرار می‌دهد و گناهی نابخشودنی است. در واقع حکومت مدرن مبتنی بر سه اصل «قرارداد اجتماعی»، «حاکمیت ملی» و «تکنیک قوا» است و مهم‌ترین این موارد مفهوم قرارداد است؛ قراردادی که ملت (شهروندان) با دولت (حاکمیت) می‌بندند. جرایبان گوزش می‌کند که در ایران و در رابطه میان ملت و دولت و قرارداد اجتماعی به رسمیت شناخته نشده‌اند.

خبر

بازداشت ۱۴ تروریست داعشی

وزارت اطلاعات اعلام کرد: ۱۴ نفر از عناصر هدایت شده از سوی گروهک آمریکایی- صهیونیستی موسوم به «داعش خراسان» شناسایی و با دستور مرجع قضائی بازداشت شدند. متن اطلاعیه وزارت اطلاعات به شرح زیر است: به استحضار ملت شریف ایران می‌رساند طی سلسله عملیات‌های انجام شده توسط ادارات کل اطلاعات استان‌های تهران، البرز، فارس و خوزستان با همکاری جامعه اطلاعاتی کشور، تعداد ۱۴ نفر از عناصر هدایت‌شده از سوی گروهک آمریکایی- صهیونیستی موسوم به «داعش خراسان» شناسایی و با دستور مرجع قضائی بازداشت شدند. متهمان مورد اشاره در چند روز اخیر با هدف انجام عملیات‌های تروریستی و به صورت غیرقانونی وارد کشور شده بودند. از این تعداد ۷ عنصر داعشی در استان فارس و ۷ تروریست دیگر در استان‌های تهران، البرز و خوزستان دستگیر شدند. نتایج حاصل از تحقیقات و بازجویی‌ها متعاقباً منتشر خواهد شد. در آستانه اربعین حسینی از عزاداران حضرت اباجعبدا...الحسین (ع) و نیز از متولیان محترم و دست‌اندرکاران مساجد، تکایا، مواکب و هیئات تقاضا دارد با حفظ هوشیاری کامل، هرگونه موارد و تحرکات مشکوک را سریعاً به ستاد خبری وزارت اطلاعات به شماره ۱۱۳ گزارش فرمایند.